

نویسنده، محمد حسین طباطبایی، به سال هزار و دویست و هشتاد و یک شمسی در تبریز در میان یک خانواده عالم به وجود آمده‌ام. در سن پنج سالگی مادر و در سن نه سالگی پدر را از دست دادم و به مناسبت اینکه کم و بیش مایه معاش داشتیم، سرپرست ما (وصی پدر) وضع زندگی ما (من و برادر کوچکتر از خودم را که داشتم) به هم نزد و تحت مراقبت و پرستاری یک نفر خادم و یک نفر خادمه قرار گرفتیم. کمی پس از درگذشت پدر، به مکتب و پس از چندی به مدرسه فرستاده شدیم و بالاخره به دست معلم خصوصی که به خانه می آمد سپرده گشتیم و به این ترتیب تقریباً مدت شش سال مشغول فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی بودیم.

آن روزها تحصیلات ابتدایی برنامه معینی نداشت. همین قدر به یاد دارم که در فاصله میان ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۶ که مشغول بودم، قرآن کریم را که معمولاً پیش از هر چیز دیگر خوانده می شد و کتاب گلستان و بوستان سعدی و نصاب و اخلاق مصور و انوار سهیلی و تاریخ معجم و منشآت امیر نظام و ارشادالحساب را خواندم.

سال ۱۲۹۷ وارد رشته های علوم دینی و عربیه شدم و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بودم.

در ظرف همین هفت سال، در علم صرف کتاب امثله و صرف میر و تصریف و دز



هر خوبان دل دین از همه بی پروا بود

رخ شطرنج بر دانه که رخ زین بود

در عین در که مجنون سر خود بخون گشت
دانه که با کس کس کس بیاد بود

فر بر حیدر خورشید نه خود بودم راه

دانه آری بودم و مهر تو مرا با بد بود

فر خشی بی سرو پایم که بسیر افتادم

دانه که سرخست هر لایم بدل دریا بود

جام صهباز کجا بود و مگر دست که بود

که در سینه بوم مگر دیدم و دل بسید از بود

خم لاری تو بود و کف مینوی تو بود

که بیک جلوه برین ^{زبانان} دل در سینه می بود

خودت آموختیم هر دو خودت آموختیم

با بر او دهنده روی که در راه ما بودم

نحو کتاب عوامل و انموذج و صمدیه و سیوطی و جامی و مغنی و در بیان کتاب مطول و در فقه کتاب شرح لمعه و مکاسب و در اصول کتاب معالم و قوانین و رسائل و کفایه و در منطق کبری و حاشیه و شرح شمسیه و در فلسفه کتاب شرح اشارات و در کلام کشف المراد را خواندم و به همین ترتیب دروس متن (در غیر فلسفه و عرفان) خاتمه یافت.

سال ۱۳۰۴ برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه نجف گردیدم و به مجلس درس مرحوم آیت الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شده، یک دوره خارج اصول که تقریباً شش سال طول کشید و چهار سال نیز خارج فقه معظم له درک نمودم و همچنین هشت سال در خارج فقه مرحوم آیت الله نائینی و یک دوره خارج اصول معظم له حضور یافتم و کمی نیز به خارج فقه مرحوم آیت الله آقای سید ابوالحسن اصفهانی رفتم. کلیات علم رجال را نیز پیش مرحوم آیت الله حجت کوه کمری رفتم.

در فلسفه نیز به درس حکیم و فیلسوف معروف وقت، مرحوم آقا سید حسین بادکوبی موفق شدم. در ظرف شش سال که پیش معظم له تلمذ می کردم، منظومه سبزواری و اسفار و مشاعر ملاصدرا و دوره شفای بوعلی و کتاب اثولوجیا و تمهید ابن ترکه و اخلاق ابن مسکویه را خواندم.

مرحوم بادکوبی از فرط عنایتی که به تعلیم و تربیت نویسنده داشت، برای اینکه مرا به طرز تفکر برهانی آشنا ساخته، به ذوق فلسفی تقویت بخشید، امر فرمود که به تعلیم ریاضیات پردازم. در امتثال امر معظم له به درس مرحوم آقا سید ابوالقاسم خوانساری که ریاضیدان زبردستی بود حاضر شدم و یک دوره حساب استدلالی و یک دوره هندسه مسطحه و فضایی و جبر استدلالی از معظم له فراگرفتم.

سال ۱۳۱۴ بر اثر اختلال وضع معاش، ناگزیر به مراجعت شده، به زادگاه اصلی خود (تبریز) برگشتم و ده سال و خرده ای در آن سامان به سر بردم که حقیقاً باید این دوره را در زندگی خود دوره خسارت روحی بشمارم، زیرا بر اثر گرفتاری ضروری به معاشرت عمومی وسیله تأمین معاش (که از مجرای فلاحت بود) از تدریس و تفکر علمی (جز مقداری بسیار ناچیز) باز مانده بودم و پیوسته با یک شکنجه درونی به سر می بردم.

در سال ۱۳۲۵ از سر و سامان خود چشم پوشیده، زادگاه اصلی را ترک گفتم و متوجه حوزه قم گردیده، بساط زندگی را در این شهر گستردم و دوباره اشتغالات علمی را از سر گرفتم و تاکنون که اوایل سال ۱۳۴۱ می باشد، روزگار خود را در این سامان می گذرانم.

البته هر کسی حسب حال خود در زندگیش خوشی و تلخی و زشت و زیباهایی دیده و خاطره‌هایی دارد. من نیز به نوبه خود و خاصه از این نظر که بیشتر دوره زندگانی خود را با یتیمی یا غربت یا مفارقت دوستان یا انقطاع وسایل و تهیدستی و گرفتاری‌های دیگر گذرانیده‌ام، در مسیر زندگی با فراز و نشیب‌های گوناگون روبه‌رو شده، در محیط‌های رنگارنگ قرار گرفته‌ام، ولی پیوسته حس می‌کردم که دست ناپیدایی مرا از هر پرتگاه خطرناک نجات می‌دهد و جاذبه مرموزی از میان هزارها مانع بیرون کشیده، به سوی مقصد هدایت می‌کند.

من اگر خارم و گر گل چمن آرایی هستم که از آن دست که می‌پروردم می‌روم در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این روی هر چه می‌خواندم نمی‌فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذرانیدم. پس آن، یکباره عنایت خدایی دام‌نگیرم شده، عوضم کرد. و در خود یک نوع شیفتگی و بی‌تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم. به طوری که از همان روز تا پایان ایام تحصیل که تقریباً هفده سال کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر درک خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش نموده و تلخ و شیرین حوادث را برابر می‌پنداشتم. بساط معاشرت غیراهل علم را به کلی برچیدم. در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد (و به ویژه در بهار و تابستان) که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می‌گذرانیدم و همیشه درس فزدا را شب پیش مطالعه می‌کردم و اگر اشکالی پیش می‌آمد با هر خودکشی بود حل می‌نمودم و وقتی به درس حضور می‌یافتم از آنچه استاد می‌گفت قبلاً روشن بودم و هرگز اشکال و اشتباه درس، پیش استاد نبردم.

از آثار مختصری که هنگام تحصیل در نجف تهیه کرده‌ام:

- رساله در برهان
- رساله در ترکیب
- رساله در مغالطه
- رساله در اعتباریات (افکاری که ساخته خود انسان است)
- رساله در تحلیل
- رساله در نبوات و منامات

از آثاری که اوقات اقامت تبریز تألیف شده :

- رساله در اثبات ذات

- رساله در اسماء و صفات

- رساله در افعال

- رساله در وسائط میان خدا و انسان

- رساله انسان بعدالدنیا

- رساله انسان قبل الدنیا

- رساله در ولایت

- رساله انسان فی الدنیا

- رساله در نبوت

(در این رساله‌ها میان عقل و نقل تطبیق شده است.)

- کتاب سلسله انساب طباطبائیان آذربایجان.

آثاری که در قم به رشته تحریر درآمده است:

- تفسیر المیزان که در ۲۰ مجلد منتشر شده است. در این کتاب با روش بی سابقه‌ای

آیه با آیه تفسیر شده است.

- اصول فلسفه (روش رئالیسم) در این کتاب فلسفه شرق و غرب بررسی می‌شود (در

پنج جلد).

- حاشیه کفایة الاصول

- حاشیه بر کتاب اسفار ملاصدرا که در ۹ جلد منتشر شده است.

- وحی یا شعور مرموز

- دو رساله در ولایت و حکومت اسلامی (فارسی و عربی)

- مصاحبه‌های سال ۱۳۳۸ با پروفسور کرین، مستشرق فرانسوی در یک جلد (تحت

عنوان شیعه برای بار سوم اخیراً منتشر گردید.)

- مصاحبه‌های سال ۳۹ و سال ۴۰ با معظم له در یک جلد. (تحت عنوان رسالت تشیع

در دنیای امروز منتشر می‌گردد.)

- رساله در اعجاز

- علی والفلسفه الالهیه (به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است.)

- شیعه در اسلام

- قرآن در اسلام

- مجموعه مقالات، پرسش‌ها و پاسخ‌ها و بحث‌های متفرقه علمی، فلسفی و...

- سنین النبى که اخیراً با ترجمه و تحقیق توسط جناب آقای محمد هادی فقهی در

۴۰۰ صفحه منتشر شده است.

منتشر شد :

سیرالملوک

ابوعلی حسن بن علی طوسی، نظام‌الملک

بازشناسی، نقد و تحلیل ویرایش متن، توضیحات و فهرستها:

دکتر محمد استعلامی

انتشارات زوار - خیابان ۱۲ فروردین - نیش سزاوار

تلفن: ۶۶۴۶۲۵۰۳

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مشترکین ارجمند مجله بخارا

بهای اشتراک سال ۱۳۸۷ را هرچه زودتر مرحمت کنید